



چهارشنبه 01 مهر 1394 - 07:12

چرخش معکوس چرخ اقتصاد در هیاهوی توافق هسته‌ای

وضعیت سهامداران بورس و آنها که سرمایه و هستی‌اشان را با درخواست و اصرار دولتمردان و شخص رئیس‌جمهور به بازار سرمایه آوردند...

وضعیت سهامداران بورس و آنها که سرمایه و هستی‌اشان را با درخواست و اصرار دولتمردان و شخص رئیس‌جمهور به بازار سرمایه آوردند، روز به روز بدتر می‌شود، ورشکستگی و احساس پشیمانی از اعتماد به وعده‌ها، تنها دستاورد کسانی است که شعارهای انتخاباتی مبنی بر استفاده از دانش و سواد متخصصان را باور کرده بودند! به جز آنها، مردم دیگری که نه در بورس سرمایه‌ای دارند و نه در جایی دیگر، برخلاف آنچه گفته شده و برایش جشن گرفته می‌شود، گرانی مکرر کالاها و خدمات عمومی و دولتی را با همه وجود لمس می‌کنند و معلوم نیست آن همه هیاهو چه کارکردی داشته است؟! در سوی دیگر، مسکن، آرزویی که برای خیلی‌ها دست یافتنی شده بود، به حال خود رها شد و کسی برنامه‌ای برای خانه‌دار کردن مردم و دهک‌های کم‌درآمد ندارد! مشکل ریزگردها و خشکی دریاچه ارومیه حل نشد اما معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان محیط‌زیست، به سیاحت در قطب شمال به همراه اعضا خانواده مشغول است! فازهای مهم و حیاتی پارس جنوبی در طول دو سال گذشته تنها کمتر از نیم درصد پیشرفت داشته! اما در همین مدت موفق شدیم رکورد تاریخی واردات بنزین در یک روز را بشکنیم! آنهم بنزین پاتیلی و فاقد هرگونه استاندارد اولیه! بانک‌ها اما کماکان با قدرت و قوت به کار خود که دوشیدن اقتصاد بیمار جامعه است ادامه می‌دهند و با بکار بردن پیشرفته‌ترین حيله‌های قانونی و در مقابل چشمانی که ظاهراً عمداً به روی هم گذاشته شده، با سود تاریخی و بی‌نظیری که در دنیا مشابهی ندارد، یعنی با سود 48 درصد به مردم نیازمند و بیچاره وام می‌دهند! صنایع در بدترین وضعیت ممکن نالان از کمبود نقدینگی، با سخت‌ترین مشکلات متصور دست و پنجه نرم می‌کنند و هیچ روزنه امیدی برایشان در نظر گرفته نمی‌شود! نه یک ریال یارانه تولید پرداخت شده و می‌شود، نه وام و نقدینه‌ای به پیکر نیمه جان آنها تزریق می‌شود که البته با سود 48 درصد، همان بهتر که نشود! واردات کالاهای مصرفی- که به سادگی و کمترین برنامه‌ریزی قابل تولید در کشور است- اوج گرفته و اشتغال برای کارگران خارجی روز به روز بیشتر و بیشتر می‌شود. شاید در ادامه این فهرست تلخ بتوان ده‌ها و صدها معضل و مشکل دیگر را هم برشمرد که ناشی از وعده‌های غیرواقعی، رفتار غیرصادقانه با مردم، اقدامات خلاف عقل و علم و... است و جز تلخی چیزی نمی‌افزاید. اما در سوی دیگر شعار و هیاهوی دست یافتن به بزرگ‌ترین پیروزی قرن و تاریخ و... همچنان برپاست! هیاهو و جشن و پایکوبی پیروزی هسته‌ای، ترجیع‌بند کلام هر روزه مسئولان است و با ربط و بی‌ربط درباره آن سخن می‌گویند و از مزایا و طعم گوارا و خنک سرابی که قرار است به جای آب به مردم نوشانده شود سخن می‌گویند! این همه در حالی‌ست که با گذر از نیمه عمر دولت یازدهم، نه چرخ اقتصاد در گردش است و نه چرخ هسته‌ای و ظاهراً کسی هم قرار نیست برای آن فکری بکند!

بازار سرمایه

و جشن هسته‌ای!

با همه وعده‌هایی که از روز اول درباره انقلاب و انفجار در بورس و ارزش سهام سهامداران بعد از حصول توافق هسته‌ای و ارائه چند مرحله شامل تاثیر مرحله توافق، تاثیر اجرا و... گفته می‌شد، آنچه تاکنون واقعیت پیدا کرده، زبان پی در پی در ریزش مکرر شاخص‌هاست و کسی نمی‌داند این روند فاجعه‌بار کی و کجا قرار است متوقف شود؟! هیچ مسئولی حاضر نیست حتی از مال‌باختگان عذرخواهی ساده‌ای بکند و حتی در لفظ خود را شریک غم مردم بدانند! درباره راز این سقوط حرف و حدیث‌های فراوانی است، از ماجرای نفتی‌ها و پتروشیمی‌ها تا ارزان کردن برای خرید از ما بهتران و حتی برای زمینه‌سازی خرید خارجی‌ها و... اما هرچه هست و هر گزاره‌ای درست باشد، یک چیز قابل انکار نیست و آن نابودی هستی مردم و تماشای کارگزاران دولتی است.

جیب مردم، بانک مرکزی، تورم!

شاید اگر به هر کس بگویند با کلمات بالا جمله‌ای بسازد، بلافاصله یاد جمله معروف رئیس‌جمهور می‌افتد که گفته بود: «معیار تورم جیب مردم است نه آمار بانک مرکزی و مرکز آمار» اکنون و در نیمه راه عمر دولت یازدهم، تورم کاهش چشمگیری داشته است و به حدود 15 درصد رسیده و با وعده مسئولان قرار است به زیر ده درصد هم برسد اما...

اما روی کاغذ و در همان آمار بانک مرکزی! ولی جلوگیری از جیب مردم از واقعیتی دیگر سخن می‌گوید بیش از 4 بار افزایش رسمی و اعلام شده قیمت لبنیات در کمتر از 10 ماه رکورد جدید دولت تدبیر و امید است که البته این آمار، جدا از افزایش غیررسمی قیمت‌هاست. بگذریم از کاهش وزن در کیفیت محصولات که دزدی آشکار از جیب مردم است و کسی به آن توجهی نمی‌کند! حامل‌های انرژی با افزایش قیمت چندباره، بخش مهمی از درآمد مردم را می‌بلعد و البته همزمان از ضرورت افزایش بیشتر آنها سخن گفته می‌شود! نرخ حمل و نقل در بسیاری از مسیرها چند برابر شده و شرکت‌های شبه خصوصی و خصوصی، با حداقل خدمات با پشت چشم نازک کردن برای مردم غرولند می‌کنند که؛ صرف نمی‌کند! و... با این حال مسئولان کماکان معتقدند قیمت‌ها کاهش پیدا کرده، تورم کم شده، مردم خوشبخت شده‌اند و هر کس دلش از ترس بازگشت روزهای سیاه گذشته شور نزند، شرف ندارد!

اتاق فکر با طعم فامیل دور

مفسد اقتصادی و غیره

این روزها فهرست خواهرزاده‌هایی که در دولت یازدهم پست‌های مهم مشورتی و اجرایی بدست آورده‌اند، یا فامیل‌های دور و نزدیکی که بر سر سفره پر نعمت دولت یازدهم نشست‌اند، در فضای مجازی دست به دست می‌شود از رعایت شایسته سالاری شدید در دولت خبر می‌دهد! معلوم است وقتی کار به جمع و گعده فامیلی برسد، چه افکار پرثمر و پربرکتی برای اقتصاد بیچاره و مردم رقم می‌خورد و از سوی دیگر سپردن همزمان مسئولیت ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و ستادی که برای امر مهم و معقول اقتصاد مقاومتی طراحی شده است، به معاون اول رئیس‌جمهور که به قرار اسناد دیوان محاسبات، دارای سابقه محکومیت است، از شاهکارهای دیگر دولت یازدهم است که هنوز بعد از 2 سال، همه کاستی‌ها و کمبودهایش را با حمله به دولت قبل جبران می‌کند و احتمال می‌رود با این کارها هم 4 سال را به خوبی و خوشی سپری کند! اینجاست که شایسته‌سالاری ترجمان جدیدی پیدا می‌کند و میزان صداقت با مردم بیش از پیش آشکار می‌شود!

حراج منابع ملی با چراغ خاموش یا چراغ روشن!؟

اگر، پیش از این ضربه زدن به منافع ملی و فروختن آنها به نورچشمی‌ها، پنهانی و مخفی بود، اکنون این روال تغییر کرده و ظاهراً کسی از این کار ابایی ندارد! و در یک نمونه، واگذاری یک کارخانه از بیت‌المال مظلوم 430 میلیارد تومان زیر قیمت واقعی در دولت یازدهم و در عین مخالفت همه کارشناسان و آگاهان و نمایندگان مجلس رقم خورد تا میزان پایبندی به قانون بیش از پیش آشکار شود! و البته مسئول مربوطه این تفاوت هنگفت را با کلمه تاریخی «چیزکی اختلاف» رفع و رجوع کرد! همه اینها در حالیست که انتظار عمومی از شعارها و وعده‌های دولتمردان این بود که هم چرخ سانتریفیوژها بچرخد و هم زندگی مردم اما اکنون اولی به کندی و دومی معکوس می‌چرخد...!